

## نقش تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی در جهت توسعه گردشگری فرهنگی جمهوری

### اسلامی ایران<sup>۱</sup>

محمد رضا صالحی پور، دانشجوی دکتری، گردشگری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه

طباطبائی، تهران

اکبر پور فرج<sup>۲</sup>، دانشیار، گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

سید مجتبی محمود زاده، استادیار، گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه

طباطبائی، تهران

احمد گل محمدی، دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۰

### چکیده

توسعه گردشگری فرهنگی به تعامل مؤلفه‌های بسیاری بستگی دارد. سیاست اجزاء و فرایند گردشگری فرهنگی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و میراث فرهنگی منبع سازنده گردشگری فرهنگی است و بنابراین این دو به تعامل بالایی برای موفقیت گردشگری فرهنگی نیاز دارند. در این میان تفسیر یک میانجی تعامل ساز بین سیاست و میراث فرهنگی است که در جهت این تعامل می‌تواند نقش‌های مختلفی ایفا کند. از این منظر این مقاله در نظر داشته تا به بررسی نقش‌های تفسیر به‌عنوان عاملی تعامل ساز بین سیاست و میراث فرهنگی بپردازد و جایگاه این نقش‌ها را در این تعامل سازی مشخص نماید تا در نهایت گردشگری فرهنگی کشور بتواند از آن منتفع شود. به این منظور و برای تعیین این نقش‌های بالقوه با استفاده از ادبیات مرتبط و همچنین نظرات خبرگان واجد شرایط، نقش‌های مذکور شامل تداعی بخشی به هویت مکانی سایت‌های تاریخی، عبرت گرفتن از آثار و تاریخ گذشتگان، تغییر نظر سیاست‌مداران نسبت به میراث فرهنگی، تقویت هویت ملی، حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی، نزدیک‌تر کردن ذینفعان مکان‌های تاریخی به یکدیگر، مقابله با نژادپرستی و قوم‌پرستی، از بین بردن کج‌فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی، نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر و تقویت فهم متقابل بین سیاست‌مداران و مردم، استخراج شدند. سپس در بخش میدانی تحقیق، با استفاده از روش دلفی فازی، اجماع نظرات خبرگان در مورد اولویت نقش‌های مذکور مشخص شد. نتایج این تحقیق نشان داد که بیشترین اجماع خبرگان در خصوص نقش‌های بالقوه تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی، در زمینه تداعی بخشی به هویت مکانی سایت‌های تاریخی، تقویت هویت ملی و حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی نمود یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر، سیاست، میراث فرهنگی، تعامل، گردشگری فرهنگی

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری است، با عنوان «الگوی تعامل پایدار سیاست و میراث فرهنگی در توسعه گردشگری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران».

۲- نویسنده مسئول  
Email: a.pourfaraj@gmail.com

۲- نویسنده مسئول

## مقدمه

گردشگری یکی از پدیده‌های چندوجهی دنیای امروزی است و کشورها در جهت دست‌یابی به توسعه چندجانبه خود (شارپلی و تelfer<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵) و بهره بردن از عواید اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی گسترده این سومین صنعت صادراتی جهان (سازمان جهانی گردشگری<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹)، تلاش‌های زیادی را در سطح ملی و بین‌المللی انجام می‌دهند. یکی از انواع گردشگری که در واقع پیشروترین بخش این صنعت است (مک کرچر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴) گردشگری فرهنگی است که اکنون بیش از ۴۰ درصد گردشگری جهانی را در اختیار دارد (وانگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰) و در آینده‌های نزدیک نیز در ۸۵ درصد از مسافرت‌های بین‌المللی، جلوه بارزی خواهد داشت (تیموئی، ۱۳۹۴). این افق پیش‌رو می‌تواند باعث شود تا کشورهایی که از دارایی‌های فرهنگی بهره‌ای برده‌اند، توسعه گردشگری فرهنگی را به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشرفت چندجانبه خود مدنظر قرار دهند.

توسعه گردشگری فرهنگی منوط به دخیل شدن حوزه‌های بسیاری در فرایند آن است. یکی از این حوزه‌های بسیار مهم، سیاست<sup>۵</sup> است. چنین اهمیتی به این دلیل است که گردشگری در همه سطوح عمیقاً در دل سیاست قرار گرفته (هال<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷) و رابطه جدایی‌ناپذیری با آن دارد (هندرسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). همچنین فرآیند گردشگری فرهنگی یک فرآیند سیاسی است (رابینسون و اسمیت<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶) زیرا در این فرایند از میراث فرهنگی که ممکن است در مورد نحوه استفاده از آن، در میان ذینفعان و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلف اختلاف نظر وجود داشته باشد، به‌عنوان منبع گردشگری استفاده می‌شود (تیموئی و بوید<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶). یکی از حوزه‌های مهم دیگر، حوزه میراث فرهنگی است. میراث فرهنگی که به‌عنوان منبع (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۸) و مبنایی برای توسعه گردشگری فرهنگی (بوجدوسو و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۵) و یکی از مهم‌ترین انواع جاذبه‌های گردشگری (لولانسکی و لولانسکی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱) که هر ساله تعداد چشمگیری از

---

1. Sharpley and Telfer

2. UNWTO

3. McKercher et al

4. Wang et al

5. politics

6. Hall

7. Henderson

8. ROBINSON and SMITH

9. Timothy and boyd

10. Bujdosó et al

11. Loulanski and Loulanski

گردشگران در سطح جهانی به دیدار از آن می‌پردازند (چن و هوانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷) توانسته با گردشگری ارتباط برقرار کرده و گردشگری فرهنگی را به یک راهبرد برای توسعه تبدیل کند (آلوارز-گارسیا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). در این میان میراث فرهنگی با سیاست ارتباط و تعامل تنگاتنگی دارد زیرا میراث فرهنگی ذاتاً به دلیل متأثر بودن از ارزش‌ها و ایده‌های مختلف، ماهیتی سیاسی دارد (تیموثی و نیاوپان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ اشورث و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷).

بنابراین می‌توان گفت هم حوزه سیاست و هم حوزه میراث فرهنگی برای توسعه گردشگری فرهنگی بسیار تعیین‌کننده هستند. موضوع مهمی که وجود دارد تعامل این دو حوزه است که بنابر آنچه گفته شد، در راه دستیابی به توسعه موفقیت‌آمیز گردشگری فرهنگی نقش بسزایی دارد. حال ممکن است به دلیل اینکه برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌گذاری برای توسعه در دل سیاست قرار می‌گیرد (هال، ۲۰۱۷)، اینگونه به نظر برسد که سیاست بر میراث فرهنگی چیرگی دارد و آنچه را سیاست‌مداران در ذهن خود دارند، باید در برنامه‌های تدوین شده برای استفاده از میراث فرهنگی در گردشگری فرهنگی، غالب شود. در واقع ممکن است اینگونه به نظر برسد که فرایند توسعه گردشگری فرهنگی را به صورت یک‌طرفه، حوزه سیاست دیکته خواهد کرد و به شکلی از میراث فرهنگی استفاده خواهد شد که مطابق با ارزش‌ها، ایده‌ها و گفتمان سیاست‌مداران است. این درحالی است که ممکن است حوزه میراث فرهنگی ارزش‌ها، ایده‌ها، گفتمان و چشم‌اندازی متفاوت با حوزه سیاست داشته و بهره‌برداری متفاوتی از معانی ناملموس و بناهای تاریخی ملموس را در توسعه گردشگری فرهنگی مدنظر داشته باشد. موضوعی که می‌تواند در نتیجه کمبود تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی باعث شود نوع، کمیت و کیفیت بهره‌برداری از میراث فرهنگی در برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری فرهنگی واضح و مشخص نباشد و به دلیل فهم متقابل ناکافی در خصوص نیازها و خواسته‌های فعالین هر کدام از این دو حوزه، موجب شکل‌گیری چالش‌های بین‌بخشی شود.

---

1. Chen and Huang  
2. Alvarez-García et al  
3. Timothy and Nyaupane  
4. Ashworth et al

بنابراین به نظر می‌رسد به منظور بهبود تعامل دوجانبه بین سیاست و میراث فرهنگی به واسطه‌هایی نیاز است که می‌توانند این دو حوزه را به یکدیگر نزدیک‌تر کنند، جایگاه سیاست را برای میراث فرهنگی بازتعریف کرده و کارکردهای بالقوه و بالفعل میراث فرهنگی را برای سیاست تبیین نمایند. از این منظر می‌توان تفسیر<sup>۱</sup> را یکی از مناسب‌ترین واسطه‌های تعمیق این تعامل دوجانبه دانست زیرا تفسیر، به نگرش‌ها در قبال یک موضوع خاص جهت می‌دهد، برداشت‌های قبلی را تغییر می‌دهد، نوع خاصی از ارزش‌ها را بر اساس برداشت‌های جدید به‌وجود می‌آورد و این ارزش‌ها را در میان دیگر ارزش‌ها و باورها قرار می‌دهد (چناری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

بنابر آنچه بیان شد تحقیق حاضر در نظر دارد تا به‌عنوان یک خلأ پژوهشی در سطح کشور، به این موضوع بپردازد که نقش تفسیر در تعمیق تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی، چگونه و به چه طرّقی قابل محقق شدن است تا از این راه هم سیاست و هم میراث فرهنگی بتوانند سود ببرند و در نهایت شاهد توسعه بهینه گردشگری فرهنگی در کشور باشیم.

#### ادبیات و پیشینه تحقیق

در این قسمت مفاهیم تفسیر، تفسیر در گردشگری فرهنگی، سیاست، میراث فرهنگی و گردشگری فرهنگی توضیح داده شده و سپس به بررسی مقالات پیشین مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته شده است.

#### تفسیر

تفسیر یک فرایند شناختی<sup>۳</sup> است و بر این موضوع تاکید دارد که هر فرد چگونه واقعیت را متوجه می‌شود (دامبراونو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). ویلهلم دیلتای<sup>۵</sup> معتقد است که تفسیر شیوه‌ای برای شناخت جهان انسانی است و لایه‌های معنایی مختلفی دارد. شلیرماخر<sup>۶</sup> مدعی است تفسیر، صرفاً بحث انتقال یک شناخت روشن از امور نیست، بلکه موضوع حل کردن بدفهمی‌ها، تصحیح کردن خطاها و ساخت یک معنای منسجم است. از منظر گادامر<sup>۷</sup> نیاز است که طرفین برای تفسیر بهتر امور، به دیدگاه‌های یکدیگر توجه

1. interpretation

2. Chenari

3. cognitive process

4. Dumbraveanu et al

5. Wilhelm Dilthey

6. Schliermacher

7. Gadamer

کرده و نظرات متقابل و حتی مخالف یکدیگر را گوش کنند؛ کاری که ممکن است به تغییر در نظرات هر یک منتج شود. هر طرف به برداشت‌های طرف مقابل توجه کرده و آن را مهم تلقی می‌کند. در واقع برای طرفین این امکان به وجود می‌آید تا احساسات و ایده‌هایشان را در خصوص یک موضوع یا چیز خاص در معرض آزمون قرار دهند. آزمونی که شاید صحت این ایده‌ها را زیر سؤال ببرد (ابلت و دایر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). تفسیر می‌تواند باعث شود تا برداشت‌های افراد دچار تغییر شده و از این راه درک آن‌ها از جهان هستی و معنایی که برای فضای اجتماعی قائل هستند، دستخوش تغییرات شود. موضوعی که می‌تواند باعث پویایی‌های بیشتر شود و افراد را تحریک کند تا نگرش‌های متفاوت و جدیدی را نسبت به امور مختلف درپیش بگیرند. با توجه به آنچه گفته شد تفسیری که ارائه می‌شود باید بتواند با افراد ارتباط برقرار کند. پیامی که پشت تفسیر قرار دارد باید جالب باشد تا بتواند توجهات را جلب کند و معانمند باشد تا بتواند نگاه‌های کنشگرانه را برینگیزد (نوواکی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). نتیجه آنچه بیان شد می‌تواند تغییر در رفتارهای افراد باشد. تفسیر می‌تواند منجر به این شود که رفتارهای اجتماعی و فردی کنترل شوند، تغییراتی در آن‌ها به وجود بیاید و با کاربست این رفتارهای جدید، تجارب جایگزینی شکل بگیرند که ناشی از برخوردهای بین طرفینی جدید هستند (ریسینگر و استینر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

### تفسیر در گردشگری فرهنگی

تفسیر در گردشگری فرهنگی به‌عنوان یک فعالیت آموزشی مطرح است و برای افرادی که به دیدار از اشیاء و سایت‌های میراثی می‌پردازند راجع به میراث فرهنگی مورد دیدار اطلاعات لازم را تدارک می‌بیند. تفسیر سعی دارد تا در عین فراهم‌آوری تجربه‌ای به‌یادماندنی از سایت‌ها و اشیای مورد دیدار برای دیدارکنندگان، گفتمان حفاظت و حراست از میراث فرهنگی را در میان آنان ترویج کند. زمانی که دیدارکنندگان معنای نهفته در مکان‌های تاریخی را درک کنند و اهمیت آن‌ها را متوجه شوند، نگرش‌های ایشان نسبت به میراث فرهنگی تغییر پیدا می‌کند و بنابراین رفتار آنان درقبال بقایای فرهنگی محلی، ملی و بین‌المللی بهبود یافته و یا اصلاح می‌شود. تفسیر می‌تواند باورهای درونی افراد را در خصوص پاسداشت

---

1. Ablett and Dyer  
2. NOWACKI  
3. Reisinger and Steiner

میراث برجای مانده از نسل‌های پیشین تقویت کند، چارچوب‌های ذهنی شکل گرفته در مورد میراث جوامع گوناگون را تغییر دهد و در نتیجه ابزاری در جهت تحقق پایداری میراث فرهنگی شود. این پایداری می‌تواند جریان‌های ورود گردشگران به یک مقصد یا مکان را تضمین کرده و پایداری گردشگری فرهنگی را از منظر اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی میسر کند (نوواکی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱).

### سیاست

گاهی سیاست را تخصیص اقتدارآمیز ارزش‌ها (ایستون<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹) تلقی کرده‌اند. برخی آن را هنر یا علم مرتبط با هدایت یا تأثیرگذاری بر خط‌مشی‌های (حاکمیت دانسته‌اند (ماریام- وبستر<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰) و یا بعضاً آن را مطالعه شیوه‌های اداره یک کشور به حساب آورده‌اند (دیکشنری کمبریج<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). اگرچه موارد ذکر شده می‌تواند مورد بحث سیاست باشد ولی به‌طور کلی باید گفت که موضوع اساسی سیاست یا به عبارت بهتر علم سیاست، مبحث قدرت<sup>۵</sup> است (حشمت زاده، ۱۳۹۵). در واقع می‌خواهیم بدانیم که قدرت چگونه شکل می‌گیرد و چگونه می‌توان در آن سهمی شد (دال، ۱۳۶۴). قدرت نیز در گسترده‌ترین معنا، توانایی کسب نتیجه‌ای مطلوب است و بعضاً در قالب قدرت انجام دادن امور به آن اشاره می‌شود. قدرت انجام امور شامل هر کاری است، از توانایی زنده ماندن گرفته تا توانایی حکومت در پیشبرد رشد اقتصادی (هیوود، ۱۳۹۱).

لازم است اشاره شود که منظور محققان از واژه سیاست همان واژه politics در زبان انگلیسی است و نه واژه خط‌مشی یا policy. در تفاوت بین سیاست و خط‌مشی باید عنوان کرد که خط‌مشی، یک طرح کلی و عمومی است و به‌منزله راهنمای عمل، نحوه اجرای تصمیم‌ها و برنامه‌ها را مشخص می‌کند (رضائیان، ۱۳۷۹). از سوی دیگر سیاست به علم و هنر حکومت کردن بر جوامع انسانی اشاره دارد و محوریت آن حکومت‌ها هستند (دوورژه، ۱۳۸۶). در سیاست هدف این است که قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور شناخته شوند (عالم، ۱۳۷۳). از این جهت تلاش می‌شود تا روابط

---

1. Nowacki  
2. Easton  
3. merriam-webster  
4. Dictionary Cambridge  
5. power

قدرت میان حکومت به عنوان مظهر و تجلی رسمی قدرت و گروه‌های اجتماعی مختلف بررسی (خرمشاد، ۱۳۹۲) و موضوع توزیع قدرت و تصمیم‌سازی‌ها تبیین شوند (سو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

### میراث فرهنگی

میراث، ارثیه ما از گذشتگانمان است (کافمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹؛ پرنیتیس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳؛ شارپلی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳؛ هال و مک‌آرتور<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶؛ وانگ و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰؛ تیموثی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱) که می‌تواند به نسل‌های آینده هر کشور یا جامعه نیز انتقال داده شود (یونسکو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷؛ دروماند<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱). در واقع میراث تاریخ نیست، بلکه نتیجه تاریخ گذشته بر انسان‌ها است که برای ما به‌جامانده است.

میراث فرهنگی نیز دربردارنده جنبه‌های ملموس فرهنگ شامل سایت‌ها، بناها، یادمان‌ها، چشم‌اندازها و اشیای تاریخی و همچنین جنبه‌های ناملموس فرهنگ می‌شود که در فعالیت‌ها و زندگی اجتماعی، ارزش‌ها، باورها، زبان، هنرها، صنایع دستی، موسیقی و ... نهادینه شده‌اند. این نوع از میراث حکایت‌گر خلاقیت‌های نسل‌های مختلف بشری است (لوانسکی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶؛ هیچکاک و کینگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳) و با نشان دادن آنچه فرهنگ‌های مختلف از گذشته تا به امروز به‌دست آورده‌اند، گذشته ایشان را در یک پیوستار به زمان حالشان پیوند می‌دهد (یونسکو، ۲۰۰۷).

### گردشگری فرهنگی

گردشگری فرهنگی شناخته‌شده‌ترین شکل از گردشگری با علائق خاص<sup>۱۲</sup> است که از اواسط دهه هشتاد میلادی به‌عنوان محصولی متمایز در صنعت گردشگری به رسمیت شناخته شد (بوهالس و کاستا<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶) و در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود میلادی، توجه روبه‌رشدی را در صحنه بین‌المللی به‌دست آورد

- 
1. Su et al
  2. Kaufman
  3. Prentice
  4. Sharpley
  5. Hall and MacArthur
  6. Wang et al
  7. Timothy
  8. UNESCO
  9. Drummond
  10. Loulanski
  11. Hitchcock and King
  12. Special interests tourism
  - 13 - Buhalis and Costa

(بالکار و پیرس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶). گردشگری فرهنگی بر فرهنگ یک مقصد شامل سبک زندگی، هنرها و ساخته‌های دست و فکر مردمان آن تمرکز دارد و می‌تواند شامل حضور در رویدادهای فرهنگی، دیدار از یادمان‌ها و مکان‌های تاریخی، حضور در جامعه بومی و معاشرت با مردم محلی (ایکوموس استرالیا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹)، مشارکت در جشنواره‌های اجتماعی یا صرفاً خرید صنایع دستی باشد (بسکولیدس و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

### پیشینه تحقیق

بررسی‌های نگارندگان با استفاده از منابع علمی شناخته شده داخلی، سابقه‌ای نزدیک به این تحقیق را در داخل کشور نشان نمی‌دهد. در این زمینه نگارندگان با بررسی منابع علمی خارجی توانستند سوابقی نزدیک را برای این تحقیق در خارج از کشور به دست آورند. این مطالعات به بررسی نقش مستقیم و غیرمستقیم تفسیر در (برقراری) تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی پرداخته‌اند که مختصراً به آن‌ها اشاره خواهد شد.

### جدول ۱. بررسی پیشینه تحقیق

موضوع	نتایج	پژوهشگران
بررسی نقش موزه‌ها در تقویت هویت ملی	تفسیر کلکسیون‌های تاریخی موجود در موزه‌های کشورها، می‌تواند در تقویت هویت ملی مردم این کشورها موثر باشد	مک لین <sup>۴</sup> (۱۹۹۸)
بررسی چگونگی تفسیر شهر میراث جهانی لوآنگ پرابانگ در کشور لائوس از منظر سازمان‌های بین‌المللی و دولت لائوس	تأکید بر نیاز به همگرایی هرچه بیشتر منافع ذینفعان مختلف در تفسیر این شهر میراثی از راه توجه به تعهدات مشترک آن‌ها در قبال این میراث جهانی	لانگ و سوئیت <sup>۵</sup> (۲۰۰۶)
تأثیر میراث فرهنگی متناقض منطقه بالکان در توسعه گردشگری فرهنگی این منطقه	لزوم توجه به تفسیرهای متفاوت از میراث اروپایی - آسیایی و اسلامی - مسیحی این ناحیه جهت تعریف مسیرهای گردشگری متفاوت و متنوع فرهنگی	سسیچ و میاتویچ <sup>۶</sup> (۲۰۱۴)
بررسی جایگاه سیاست در تبدیل منابع میراثی به محصولات گردشگری در ویتنام	جدایی‌ناپذیر بودن تجاری‌سازی منابع میراثی از سیاسی شدن میراث به‌واسطه فرایند انتخاب منابع، تفسیر آن‌ها و تخصیص آن‌ها برای حضار مختلف	بوی و لی <sup>۷</sup> (۲۰۱۵)

1 - Balcar and Pearce  
 2 - Australia Icomos  
 3 - Besculides et al  
 4 - McLean  
 5 - Long and Sweet  
 6 - Sestic and mijatovic  
 7 - Bui and lee



## ادامه جدول ۱. بررسی پیشینه تحقیق

پژوهشگران	نتایج	موضوع
پاولیچیچ <sup>۱</sup> (۲۰۱۶)	بعد از جنگ کوزوو، در میان مردم آلبانی که در کوزوو بودند، یادمان‌های قرون وسطایی صربستان میراثی نامطلوب تلقی می‌شدند. این میراثی متناقض در دولت تازه تأسیس کوزوو است و تفسیرهای متفاوتی هم از آن می‌شود.	ترویج گردشگری در کوزوو از راه یادمان‌های قرون وسطایی صربستان
سیمبا <sup>۲</sup> (۲۰۱۷)	به دلیل آنچه عصر کمونیسم از خود برجای گذاشته است بین نمایش رسمی یا حکومتی از میراث کمونیسم و نمایش غیررسمی (رسانه‌ای و گردشگری) از میراث کمونیسم شکاف و تفاوت وجود دارد. حکومت رومانی این میراث را مسئله ساز می‌بیند و سعی در تفسیر مجدد آن دارد	مشخص کردن تنش‌های موجود در بین ذینفعان مختلف در قبال نحوه نمایش میراث عصر کمونیسم در رومانی
بانداری <sup>۳</sup> (۲۰۱۹)	مخالفت ذینفعان سیاسی کشور نپال در خصوص توسعه سایت میراث جهانی این کشور توسط سرمایه‌گذاران چینی به علت وجود روایت‌ها و تفسیرهای متفاوت از این سایت در بین ذینفعان گردشگری دو کشور	تأثیر مسائل ژئوپلیتیک بر توسعه میراث بودایی کشور نپال جهت تقویت گردشگری فرهنگی این کشور
لئون و نیبرقین <sup>۴</sup> (۲۰۲۰)	برخی از سایت‌های میراثی قزاقستان توسعه داده شده‌اند و برخی دیگر مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. تفسیر برخی از سایت‌ها و تفسیر نکردن برخی دیگر از آن‌ها به صورت تعمّدی و گزینشی، به فراموشی اجتماعی و آسیب‌های روحی و روانی مربوط است که مردم قزاقستان در نتیجه جنگ تجربه کرده‌اند. به این صورت است که میراث حالت سیاسی پیدا کرده است.	تفسیر گزینشی میراث فرهنگی در قزاقستان
پوپسکیو و همکاران <sup>۵</sup> (۲۰۲۰)	تفسیر باعث شده هویت این مرکز تاریخی که توسط فضاها، بناها و رویدادهای تاریخی آن شکل گرفته است، در طول زمان پایدار بماند. تفسیر عناصر خاص این مرکز تاریخی شهری، باعث شده هویت مکانی خاصی برای آن شکل بگیرد	بررسی میزان آگاهی، شناخت و گرامی داشت مرکز تاریخی شهر کرایووا رومانی توسط مردم این شهر
نوواکی (۲۰۲۱)	تفسیر اصولی و صحیح از میراث فرهنگی راهی برای حفاظت از بناها و مکان‌های تاریخی است	بررسی نقش تفسیر میراث در توسعه پایدار
لیو و لین <sup>۶</sup> (۲۰۲۱)	با توجه به پیچیدگی‌های روزافزون استراتژی‌های ترکیبی نمایش و تفسیر میراث فرهنگی، نظام‌مندسازی تفسیر و نمایش میراث فرهنگی می‌تواند به حفاظت بهتر از میراث فرهنگی به‌نمایش درآمده منجر شود	نظام‌مندسازی فرایند تفسیر و نمایش میراث فرهنگی برای ساکنین محلی و دیدارکنندگان

منبع: یافته‌های محققان

1 - Pavličić  
 2 - Sima  
 3 - Bhandari  
 4 - Lennon and Tiberghien  
 5 - Popescu et al  
 6 - Liu and Lin

آنچه از بررسی مطالعات پیشین در حوزه موضوع این تحقیق مشهود است را می‌توان در قالب موارد زیر خلاصه کرد:

- لزوم توجه به نیازهای همه ذینفعان در تفسیرها از میراث فرهنگی و کارکردهای متفاوت این تفسیر
- نقش بالقوه تفسیر میراث فرهنگی در توانایی برای تغییر نگرش‌ها در قبال تناقضات و بدفهمی‌های تاریخی
- توانایی تفسیر میراث فرهنگی در نزدیک‌تر کردن رویکردهای حکومتی و غیرحکومتی در قبال میراث فرهنگی
- توانایی تفسیر میراث فرهنگی در حفظ هویت مکانی مراکز و بناهای تاریخی
- نقش تفسیر از میراث فرهنگی در حفاظت از مکان‌های تاریخی
- توانایی تفسیر میراث فرهنگی در تقویت هویت ملی

حال تحقیق حاضر در نظر دارد بررسی نماید که خبرگان پاسخگو درخصوص نقش‌های فوق‌الذکر تفسیر که برخی عیناً در این تحقیق تکرار شده و برخی با تغییراتی به کار گرفته شده‌اند، چگونه اجماعی را در نتایج به ثبت می‌رسانند. نقش‌هایی مثل حفاظت از مکان‌های تاریخی و تقویت هویت ملی، عیناً تکرار شده و دیگر نقش‌ها نیز بدین صورت تعدیل شده‌اند:

- حفظ هویت مکانی مراکز و بناهای تاریخی در قالب تداعی هویت مکانی سایت‌های تاریخی
- نزدیک‌تر کردن رویکردهای حکومتی و غیرحکومتی در قبال میراث فرهنگی در قالب تغییر نظر سیاست‌مداران نسبت به میراث فرهنگی
- تغییر نگرش‌ها در قبال تناقضات و بدفهمی‌های تاریخی در قالب از بین بردن کج‌فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی
- لزوم توجه به نیازهای همه ذینفعان در تفسیر از میراث فرهنگی در قالب نزدیک‌تر کردن ذینفعان سایت‌ها و مکان‌های تاریخی به یکدیگر از راه تفسیر میراث فرهنگی

## نوآوری تحقیق

در عرصه توسعه گردشگری فرهنگی در داخل کشور، تا کنون تحقیقی که به دنبال ارزیابی نقش تعامل ساز تفسیر در بین سیاست و میراث فرهنگی بوده باشد، به انجام نرسیده است و تحقیق فعلی از این جهت نوآوری کامل دارد. تحقیقات به انجام رسیده خارجی نیز به صورت پراکنده و جداگانه، تنها به بخشی از نقش‌های تفسیر در ایجاد تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی اشاره کرده‌اند. این درحالی است که تحقیق فعلی تلاش کرده تا با بهره‌بردن از نظرات خبرگان، بتواند تا جایی که امکان دارد نقش‌های بالقوه و متنوع تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی را استخراج کرده و در رویکردی متفاوت بتواند اجماع خبرگان پاسخگو در مورد این نقش‌ها را اولویت‌بندی کند.

## روش تحقیق

تحقیق حاضر بر مبنای هدف، توسعه‌ای- کاربردی و بر مبنای ماهیت داده‌های مورد استفاده و روش جمع‌آوری داده، یک تحقیق کیفی- کمی با رویکرد اکتشافی است. در مرحله اول تحقیق، با توجه به این که هیچ راهنمای ساختاری و نظری جامعی در زمینه نقش میانجی‌گر تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی وجود نداشت، ابتدا با استفاده از ادبیات موجود که اکثراً خارجی بودند چارچوب اولیه مشخص شد و این چارچوب را خبرگان مورد جرح و تعدیل اولیه قرار دادند تا ساختار پرسشنامه مشخص گردد. در این مرحله تعداد ۱۴ نقش بالقوه برای تفسیر مشخص گردید. در حیطه نظرخواهی از خبرگان، با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند تعداد ۳ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان حوزه میراث فرهنگی و گردشگری که سابقه اجرایی و علمی بالایی در این حوزه‌ها داشتند (از جمله سیاست‌گذاری) انجام گرفت. برای انتخاب خبرگان تحقیق چندین معیار مانند داشتن حداقل دو سال سابقه کار در سطح مدیریت ارشد و میانی وزارت میراث میراث فرهنگی و گردشگری، داشتن تحصیلات لیسانس به بالا و آشنا به امور میراث فرهنگی و گردشگری در نظر گرفته شد. محققان در نظر داشتند تا حداقل با شش نفر از این خبرگان مصاحبه نمایند. با این وجود علیرغم تلاش‌های بسیار موفق نشدند با ۳ نفر از آنان گفت‌وگو نمایند و این به دلیل عدم اختصاص زمان از سوی این خبرگان بود.

در جریان مصاحبه‌ها، ابتدا مصاحبه‌کننده گزینه‌هایی را که از ادبیات تحقیق به دست آمده بود، مورد پرسش قرار می‌داد و نظرات خبرگان را در مورد آن‌ها جویا می‌شد. امری که باعث شد خبرگان برخی تغییرات را در این نقش‌های بالقوه اعمال کنند. همچنین مصاحبه‌کننده با توجه به روند مصاحبه‌ها و سمت و سوی گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، گزینه‌های دیگری را غیر از نقش‌های استخراج شده از ادبیات، مورد پرسش قرار می‌داد که خبرگان پاسخگو برخی را رد کرده و برخی را با تغییراتی تایید کردند. مصاحبه‌شونده پس از پایان مصاحبه‌ها، تلاش نمود تا گزینه‌هایی را که مصاحبه‌شوندگان بر سر آن‌ها اجماع بیشتری داشتند به عنوان نقش‌های بالقوه تفسیر استخراج نماید. این نقش‌های بالقوه به آگاهی خبرگان رسانده شد و در نهایت تایید آنان را به دست آورد.

در مرحله دوم تحقیق به منظور حصول اطمینان از صحت، دقت، کاربردی بودن و جامعیت گزینه‌های منتخب و رفع سوگیری‌های احتمالی از تکنیک دلفی فازی جهت دستیابی به توافق گروهی میان خبرگان استفاده شد. خبرگان این مرحله شامل ۲۲ نفر بودند که بر اساس نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند و همچنین گلوله‌برفی انتخاب شدند. محققان سعی کردند پاسخگویان را به صورت آگاهانه انتخاب کنند تا آنان صلاحیت، ویژگی‌ها و اطلاعات لازم برای رتبه‌دهی به اهمیت هر یک از نقش‌های بالقوه شناسایی شده تفسیر را دارا باشند.

### دلفی فازی

روش دلفی یک فرایند مبتنی بر ساختار ارتباطی گروهی است و در مواردی که دانشی ناکامل و نامطمئن در دسترس باشد (هادر و هادر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵) داده‌های موجود ناکافی یا غیرقطعی هستند، نمونه‌های واقعی موجود نیست یا گردآوردن افراد در یک مکان و بحث درباره مسئله مشکل است (مانولیادیس و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹) با هدف دستیابی به اجماع گروهی در بین خبرگان استفاده می‌شود (کینی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). این روش فرایند ارتباط میان متخصصانی است که بدون ارتباط رودررو با یکدیگر برای حل مسئله‌ای به توافق

---

1. Häder and Häder  
2. Manoliadis et al  
3. Keeney et al

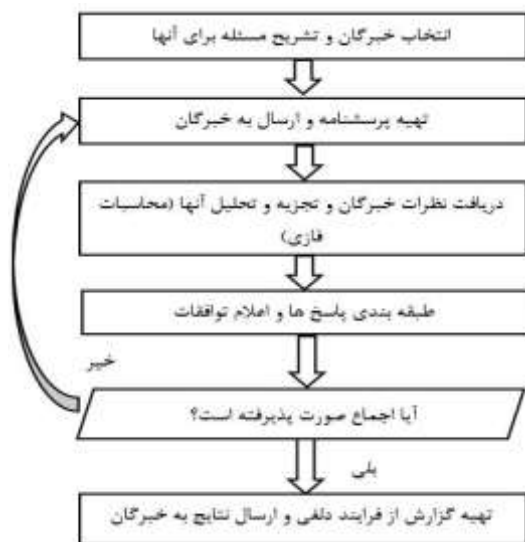
می‌رسند (قورچیان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴) و بر این پیش‌فرض شکل می‌گیرد که اجماع میان متخصصان و خبرگان از دیدگاه فردی قوی‌تر است (سید جوادین، ۱۳۶۴).

در روش دلفی سنتی، نظرات خبرگان در قالب اعداد قطعی بیان شده و افراد خبره از توانایی ذهنی خود برای بیان نظر استفاده می‌کنند. موضوعی که نشان‌دهنده احتمالی بودن عدم قطعیت حاکم بر این شرایط است. در این زمینه احتمالی بودن عدم قطعیت، با مجموعه‌های فازی سازگاری دارد. بنابراین، بهتر است داده‌ها در قالب زبان طبیعی از خبرگان اخذ و با استفاده از مجموعه‌های فازی مورد تحلیل قرار گیرند (آذر و فرجی، ۱۳۸۹). بدین منظور، از ادغام دلفی سنتی با تئوری فازی بهره برده می‌شود که از آن تحت عنوان روش دلفی فازی نام می‌برند (موری و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵).

مراحل این روش (شکل ۱) دقیقاً مانند روش دلفی است؛ با این تفاوت که به جای اعداد قطعی از اعداد فازی در تحلیل‌ها استفاده می‌شود. دیدگاه خبرگان در قالب یک عدد فازی مثلثی بیان می‌شود. هر عدد فازی دارای سه میزان حداقل، ممکن‌ترین و حداکثر مقدار است و سپس میانگین نظر خبرگان و میزان اختلاف نظر هر فرد خبره از این میانگین محاسبه می‌شود. سپس در دور بعدی، این تحلیل به خبرگان ارائه می‌شود تا آن‌ها اگر لازم دیدند، دیدگاه خود را اصلاح کنند (جعفری و منتظر، ۱۳۸۶: ۹۷). روش دلفی فازی، در مقایسه با روش سنتی دلفی می‌تواند تعداد نظرسنجی‌ها را کاهش دهد، نظرات متخصصان را کامل‌تر بیان می‌کند و از نظر زمان و هزینه مقرون به صرفه‌تر است (چانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ وو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳).

---

1. Ghurchian  
2. Murry et al  
3. Chang  
4. Wu et al



شکل ۱. مراحل اجرای روش دلفی فازی (سوئه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳)

بنابر نظر (چنگ و لین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲) مراحل اجرای دلفی فازی به شرح زیر است:

گام اول: گردآوری نظرات خبرگان در قالب متغیرهای کلامی

گام دوم: تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی

جدول ۲. اعداد فازی مثلثی متناظر با متغیرهای کلامی

متغیرهای کلامی	عدد فازی مثلثی (l,m,u)
کاملاً موافقم	(۰/۷۵، ۱، ۱)
موافقم	(۰/۵، ۰/۷۵، ۱)
نظری ندارم	(۰/۲۵، ۰/۵، ۰/۷۵)
مخالفم	(۰، ۰/۲۵، ۰/۵)
کاملاً مخالفم	(۰، ۰، ۰/۲۵)

منبع: چنگ و لین، ۲۰۰۲

همچنین در این گام مجموعه اعداد فازی مثلثی برای هر خبره محاسبه شد.

1. Hsueh

2. cheng and lin

گام سوم: مرحله ۱) محاسبه میانگین مجموعه‌ها از تمامی مجموعه‌ها

مرحله ۲) محاسبه مقدار اختلاف از میانگین برای هر خبره: در مرحله دوم به منظور بررسی میزان توافق بین خبرگان، پرسشنامه مرحله اول بعد از اعمال تغییرات لازم به همراه میانگین نظرات خبرگان و اختلاف نظر قبلی هر یک از آن‌ها با میانگین، مجدداً برای اعضا پانل خبرگان ارسال و از آن‌ها درخواست شد تا پاسخ‌ها را مرور نموده و در صورت نیاز در نظرات و قضاوت‌های خود تجدید نظر کنند.

گام چهارم: مرحله ۱) دریافت نظرات اصلاح شده خبرگان در قالب اعداد فازی مثلثی

مرحله ۲) محاسبه میانگین نظرات اصلاح شده خبرگان

گام پنجم: فازی زدایی کردن هر یک از مراحل

گام ششم: محاسبه میزان اختلاف نظر خبرگان در دو مرحله. تکرار مراحل دلفی تا آنجا پیش می‌رود که اختلاف نظر خبرگان بین دو مرحله نظرسنجی به کمتر از حد آستانه خیلی کم (۰/۲) برسد و در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود.

در این تحقیق بر مبنای نظر سو و همکاران (۲۰۱۰) مرز قابل قبول بودن شاخص اجماع، عدد ۰/۷ در نظر گرفته شد. عددی که اعداد بالاتر از مورد قبول واقع شده و اعداد زیر آن مورد قبول واقع نمی‌شوند.

نکته مهم در اجرای تکنیک دلفی اندازه پانل خبرگان است. در ارتباط با اندازه پانل مورد نیاز برای دلفی سنتی و دلفی فازی اجماع نظر وجود ندارد (مولن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) و تعداد آن‌ها وابسته به فاکتورهای همگن یا ناهمگن بودن نمونه، هدف دلفی یا وسعت مشکل، کیفیت تصمیم، زمان جمع‌آوری داده‌ها و منابع در دسترس، دامنه مسئله و پذیرش پاسخ است. در این زمینه تعداد شرکت کنندگان معمولاً کمتر از ۵۰ نفر و اکثراً ۱۵ تا ۲۰ نفر گزارش می‌شود. بعضی از محققین متذکر می‌شوند که معمولاً ۳۰ نفر برای ارائه اطلاعات کافی است و با افزایش آن‌ها پاسخ‌ها تکراری شده و اطلاعات جدیدی اضافه نمی‌شود (احمدی، ۱۳۸۸).

در تحقیق حاضر پس از تعیین اعضای پانل، پرسشنامه‌های هر دور به شیوه الکترونیکی توزیع و جمع‌آوری شد.

## بحث و تحلیل یافته‌ها

### یافته‌های جمعیت‌شناختی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگانی که در این تحقیق مشارکت داشته‌اند به شرح جدول زیر است.

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	گروه	تعداد
میزان تحصیلات	کارشناسی	-
	کارشناسی ارشد	۴
	دکتری	۱۸
سمت شغلی	کارشناس و مدیر	۱۶
	محقق و مدیر	۶
تجربه کاری	کمتر از ۵ سال	۱۵
	۵ تا ۱۰ سال	۵
	بیش از ۱۰ سال	۲

منبع: یافته‌های محققان

### تحلیل یافته‌های مرحله اول دلفی فازی

در این تحقیق نقش‌های بالقوه تفسیر در تعامل‌بخشی بین سیاست و میراث فرهنگی، با بهره‌گیری از نظرات خبرگان حیطه میراث فرهنگی و گردشگری و همچنین استفاده از ادبیات نظری نزدیک به موضوع تحقیق که در مقالات خارجی وجود داشت، شناسایی شدند. نقش‌های تداعی‌بخشی به هویت مکانی سایت‌های تاریخی، تغییر نظر سیاست‌مداران نسبت به میراث فرهنگی، تقویت هویت ملی، حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی، نزدیک‌تر کردن ذینفعان مکان‌های تاریخی به یکدیگر و از بین بردن کج‌فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی، ناشی از ادبیات تحقیق و اقتباس از آن بودند. نقش‌های مقابله با نژادپرستی و قوم‌پرستی، نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر، تقویت فهم متقابل بین سیاست‌مداران و مردم عبرت‌گرفتن از آثار و تاریخ گذشتگان، حاصل مصاحبه با خبرگان بودند.

جهت دستیابی به اجماع نظر خبرگان در مورد نقش‌های بالقوه شناسایی شده از تکنیک دلفی فازی در دو مرحله استفاده شد. از این جهت پرسشنامه‌ای با به‌کارگیری طیف لیکرت تدوین و برای تعیین میزان اهمیت



هر یک از نقش‌های بالقوه شناسایی شده، در اختیار خبرگان قرار گرفت. میانگین قطعی به دست آمده (S)، نشان‌دهنده شدت موافقت خبرگان با هر یک از گزینه‌های شناسایی شده است.

جدول ۴. نقش‌های تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی (نظرسنجی مرحله ۱)

S <sub>1</sub>	(l, m, u)	نقش‌های بالقوه تفسیر
۰/۸۳	(۰/۶۲, ۰/۸۷, ۱)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تداعی هویت مکانی سایت‌های تاریخی شود
۰/۷۶	(۰/۵۴, ۰/۷۹, ۰/۹۵)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند جنبه عبرت گرفتن از آثار و تاریخ گذشتگان را احیا نماید
۰/۶۳	(۰/۴۰, ۰/۶۵, ۰/۸۴)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تغییر نظر سیاست‌مداران نسبت به میراث فرهنگی شود
۰/۸۲	(۰/۶۲, ۰/۸۷, ۰/۹۸)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای تقویت هویت ملی باشد
۰/۸۰	(۰/۵۹, ۰/۸۴, ۰/۹۸)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی باشد
۰/۶۴	(۰/۳۹, ۰/۶۴, ۰/۸۷)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند ذینفعان سایت‌ها و مکان‌های تاریخی را به یکدیگر نزدیک (تر) کند
۰/۶۱	(۰/۳۷, ۰/۶۲, ۰/۸۵)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای مقابله با نژاد پرستی و قوم پرستی باشد
۰/۷۳	(۰/۵۱, ۰/۷۶, ۰/۹۲)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای از بین بردن کلیج فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی باشد
۰/۷۴	(۰/۵۲, ۰/۷۷, ۰/۹۴)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر شود
۰/۶۰	(۰/۳۷, ۰/۶۲, ۰/۸۲)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تقویت فهم متقابل بین سیاست‌مداران و مردم شود
۰/۲۶	(۰/۰۵, ۰/۲۳, ۰/۴۸)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای اتحاد اجتماعی باشد
۰/۲۱	(۰/۰۴, ۰/۱۸, ۰/۴۳)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند ناپایداری سیاسی را کاهش دهد
۰/۳۱	(۰/۰۹, ۰/۲۹, ۰/۵۴)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای افزایش دیپلماسی فرهنگی باشد
۰/۱۷	(۰/۰۱, ۰/۱۳, ۰/۳۸)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای نیل به عدالت اجتماعی باشد

منبع: یافته‌های محققان

بر اساس نتایج به دست آمده بیشترین اجماع خبرگان در مورد کارکردهای بالقوه تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی، مربوط به تداعی هویت مکانی سایت‌های تاریخی ( $S = 0/83$ ) و در درجه بعد مربوط به تقویت هویت ملی ( $S = 0/82$ ) است. کمترین توافق خبرگان نیز مربوط به کارکردهای بالقوه تفسیر در تقویت فهم متقابل بین سیاست‌مداران و مردم ( $S = 0/60$ ) و مقابله با نژادپرستی و قوم‌پرستی ( $S = 0/61$ ) است.

جدول ۵. نقش‌های تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی (نظرسنجی مرحله ۲)

S <sub>2</sub>	(l, m, u)	نقش‌های بالقوه تفسیر
۰/۸۴	(۰/۶۴, ۰/۸۹, ۱)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تداعی هویت مکانی سایت‌های تاریخی شود
۰/۷۸	(۰/۵۶, ۰/۸۱, ۰/۹۷)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند جنبه عبرت گرفتن از آثار و تاریخ گذشتگان را احیا نماید

ادامه جدول ۵. نقش‌های تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی (نظرسنجی مرحله ۲)

S2	(I, m, u)	نقش‌های بالقوه تفسیر
۰/۸۴	(۰/۶۴, ۰/۸۹, ۱)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تداعی هویت مکانی سایت‌های تاریخی شود
۰/۷۸	(۰/۵۶, ۰/۸۱, ۰/۹۷)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند جنبه عبرت گرفتن از آثار و تاریخ گذشتگان را احیا نماید
۰/۷۳	(۰/۵۱, ۰/۷۶, ۰/۹۴)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تغییر نظر سیاست مداران نسبت به میراث فرهنگی شود
۰/۸۲	(۰/۶۲, ۰/۸۷, ۰/۹۸)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای تقویت هویت ملی باشد
۰/۸۱	(۰/۶۰, ۰/۸۵, ۱)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی باشد
۰/۷۱	(۰/۴۷, ۰/۷۲, ۰/۹۵)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند ذینفعان سایت‌ها و مکان‌های تاریخی را به یکدیگر نزدیک(تر) کند
۰/۷۳	(۰/۴۸, ۰/۷۳, ۰/۹۶)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای مقابله با نژاد پرستی و قوم پرستی باشد
۰/۷۸	(۰/۵۶, ۰/۸۱, ۰/۹۷)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای از بین بردن کج فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی باشد
۰/۷۷	(۰/۵۵, ۰/۸۰, ۰/۹۶)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر شود
۰/۷۳	(۰/۵۰, ۰/۷۵, ۰/۹۵)	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تقویت فهم متقابل بین سیاست مداران و مردم شود

منبع: یافته‌های محققان

### تحلیل یافته‌های مرحله دوم دلفی فازی

در این مرحله، میزان اختلاف نظر هر خبره با میانگین نظرات اعضا پانل خبرگان محاسبه شد. سپس پرسشنامه دیگری به همراه نظر قبلی هر خبره و میزان اختلاف نظر وی با میانگین نظرات اعضا پانل در اختیار آن‌ها قرار گرفت. با توجه به این که میزان اختلاف نظر خبرگان بین دو مرحله اول و دوم اجرای دلفی کمتر از حد آستانه ۰/۲ بود، نظرسنجی در مرحله دوم متوقف شد. همچنین در این مرحله خبرگان ۴ گزینه از مجموع ۱۴ گزینه مرحله اول را مرتبط ندانسته و رای به حذف شدن آن‌ها دادند.

جدول ۶. نقش‌های تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی (تفاوت نظرسنجی‌های مرحله اول و دوم)

$ S_1 - S_2 $	S2	S1	نقش‌های بالقوه تفسیر
۰/۰۱	۰/۸۴	۰/۸۳	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تداعی هویت مکانی سایت‌های تاریخی شود
۰/۰۲	۰/۷۸	۰/۷۶	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند جنبه عبرت گرفتن از آثار و تاریخ گذشتگان را احیا نماید
۰/۱	۰/۷۳	۰/۶۳	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تغییر نظر سیاست مداران نسبت به میراث فرهنگی شود
۰/۰۰	۰/۸۲	۰/۸۲	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای تقویت هویت ملی باشد

ادامه جدول ۶. نقش‌های تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی (تفاوت نظرسنجی‌های مرحله اول و دوم)

$ S_1 - S_2 $	$S_2$	$S_1$	نقش‌های بالقوه تفسیر
۰/۰۱	۰/۸۱	۰/۸۰	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی باشد
۰/۱۳	۰/۷۱	۰/۶۴	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند ذینفعان سایت‌ها و مکان‌های تاریخی را به یکدیگر نزدیک (تر) کند
۰/۱۲	۰/۷۳	۰/۶۱	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای مقابله با نژاد پرستی و قوم پرستی باشد
۰/۰۵	۰/۷۸	۰/۷۳	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند راهی برای از بین بردن کج فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی باشد
۰/۰۴	۰/۷۷	۰/۷۴	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر شود
۰/۱۳	۰/۷۳	۰/۶۰	تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند باعث تقویت فهم متقابل بین سیاستمداران و مردم شود

منبع: یافته‌های محققان

براساس نتایج به‌دست آمده از این مرحله نقش‌های بالقوه تداعی بخشی به هویت مکانی سایت‌های تاریخی ( $S = 0/84$ )، تقویت هویت ملی ( $S = 0/82$ ) و حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی ( $S = 0/81$ ) بالاترین اجماع را در میان خبرگان به‌دست آوردند. همچنین نقش‌های بالقوه نزدیک (تر) کردن ذینفعان سایت‌ها و مکان‌های تاریخی به یکدیگر ( $S = 0/71$ )، مقابله با نژاد پرستی و قوم پرستی ( $S = 0/73$ )، تقویت فهم متقابل بین سیاستمداران و مردم ( $S = 0/73$ ) و تغییر نظر سیاستمداران نسبت به میراث فرهنگی ( $S = 0/73$ ) کمترین اجماع را به‌دست آوردند.

### نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی (و اولویت‌بندی) نقش‌های (بالقوه) تفسیر در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی انجام پذیرفته است. با کمک از افرادی که در حیطه سیاست و میراث فرهنگی سابقه اجرایی و کارشناسی داشتند و همچنین ادبیات موجود در منابع علمی خارجی، نقش‌های بالقوه تفسیر استخراج شدند. در ادامه به کمک خبرگان تلاش بر این قرار گرفت تا صحت، دقت، کاربردی بودن و جامعیت گزینه‌های شناسایی شده بررسی شود و سوگیری‌های احتمالی در این زمینه برطرف شوند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که به‌ترتیب تداعی هویت مکانی سایت‌های تاریخی، تقویت هویت ملی، حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی، احیای موضوع عبرت گرفتن از آثار و تاریخ گذشتگان، از بین بردن کج‌فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی، نزدیک‌تر کردن فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر، تغییر نظر

سیاست‌مداران نسبت به میراث فرهنگی، تقویت فهم متقابل بین سیاست‌مداران و مردم، مقابله با نژادپرستی و قوم‌پرستی و نزدیک(تر) کردن ذینفعان سایت‌ها و مکان‌های تاریخی به یکدیگر نقش‌هایی هستند که تفسیر می‌تواند در تعامل بین سیاست و میراث فرهنگی کشور آن‌ها را ایفا کند. اگر سیاست و میراث فرهنگی دو سوی یک طیف در نظر گرفته شوند و تفسیر از میراث فرهنگی متغیری به حساب آورده شود که در طول این طیف در حال حرکت است، مشخص می‌شود که که گاه منافع حاصل از تفسیر به سمت میراث فرهنگی میل می‌کند و گاه این منافع به سمت سیاست کشیده می‌شوند.

یافته‌های تحقیق در مورد نقش تفسیر میراث فرهنگی در تداعی هویت مکانی سایت‌های تاریخی با یافته‌های پوپسکیو و همکاران (۲۰۲۰) در یک جهت است. آنان نیز تفسیر از میراث فرهنگی را عاملی می‌دانند که می‌تواند هویت سایت‌های میراث فرهنگی را در جریانی مستمر و پایدار احیاء نموده و موجب تقویت شناخت از اماکن تاریخی و فرهنگی شود. این بازسازی و بازشناسی هویتی سبب می‌شود ارزش‌های این سایت‌ها برای ذینفعان مختلف سایت‌های میراث فرهنگی بیشتر شناخته شود، نقش آن‌ها در هویت بخشی به جامعه تقویت شود و آنچه در مورد این سایت‌ها در فرایندهای زندگی اجتماعی به ورطه فراموشی سپرده شده بود، احیاء گردد. موضوعی که می‌تواند به حفاظت از میراث فرهنگی در جهت توسعه گردشگری فرهنگی کمک نماید.

در خصوص نقش تفسیر از میراث در تقویت هویت ملی، نتایج این تحقیق با یافته‌های مک‌لین (۱۹۹۸) هماهنگ است. او معتقد است تفسیر میراث فرهنگی و به‌خصوص آنچه که در فهرست میراث ملی به ثبت رسیده است می‌تواند حس «یک ملت بودن» را در افراد یک کشور بیدارتر کند. عاملی که می‌تواند انسجام درونی مردم را تقویت کرده و حس میهن دوستی آن‌ها را ارتقاء دهد. تفسیر گذشته مشترک رفته بر یک ملت، می‌تواند حس غرور را در آنان بیدار کند و روند ملت‌سازی را در درون یک کشور بهبود ببخشد. از سوی دیگر افزایش حس غرور ملی، ارتقای انسجام درونی و بهبود روند ملت‌سازی در یک کشور می‌تواند بهبود سرمایه اجتماعی را برای آن کشور خاص به دنبال داشته باشد. بهبود این سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند بخش برنامه‌ریزی گردشگری فرهنگی کشور را به شکل بهینه متأثر کند.

در خصوص نقش تفسیر در حفاظت از روح و کالبد مکان‌های تاریخی، تیموثی و پریداکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، کانتینزا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷)، نوواکی (۲۰۲۱) و لیو و لین (۲۰۲۱) معتقدند که تفسیر میراث فرهنگی راهی در جهت حفاظت و حراست از میراث فرهنگی است. تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند با حفاظت از آن، از معانی و ارزش‌های تاریخی، فرهنگی، علمی، روحانی و ... موجود در مکان‌های تاریخی صیانت نموده و آن‌ها را برای نسل فعلی پر از معنا جلوه دهد. همچنین تفسیر می‌تواند با القای خواست به حفاظت از میراث فرهنگی در جامعه و پررنگ‌تر کردن نقش آن در حیات اجتماعی، به تخصیص هزینه‌های حراست از میراث فرهنگی به شکل بهینه کمک کند و منابع بیشتری را برای گردشگری فرهنگی کشور در دسترس برنامه ریزان قرار دهد.

در زمینه نقش تفسیر در عبرت گرفتن از آثار و تاریخ گذشتگان می‌توان به آیات متفاوتی از قرآن کریم اشاره کرد. آیه‌های ۶۶ بقره، ۱۳۷ و ۱۳۸ آل عمران، ۳۶ نحل، ۱۱ انعام، ۱۶۳ اعراف، ۱۰۰ هود، ۱۰۹ یوسف، ۱۲۸ طه، ۴۵ و ۴۶ حج، ۹ و ۴۲ روم، ۲۶ سجده، ۱۳۷ و ۱۳۸ صافات، ۲۱ و ۸۲ غافر، ۴۴ فاطر و ۱۰ سوره محمد، به این موضوع اشاره کرده‌اند. حضرت علی هم در نامه شماره ۳۱ در نهج البلاغه، به فرزند خود امام حسن توصیه می‌کند که «پسرم در دیار و آثار ویران رفتگان، گردش کن و ببندیش که آن‌ها چه کردند» (دشتی، ۱۳۸۱). تفسیر میراث گذشتگان و عبرت گرفتن از آن می‌تواند مانع از تکرار دوباره تاریخ و اشتباهات تاریخی شود. از این منظر ریشه‌های رویدادهای تاریخی برای مردم و سیاست‌مداران روشن شده و میراث کنونی راهی برای جامعه‌سازی می‌شود. همچنین از سوی دیگر الزام عقلی و شرعی سیاست‌مداران به عبرت گرفتن از آثار و تاریخ پیشینیان، خود راهی برای حراست از میراث فرهنگی می‌شود زیرا تا آثاری از گذشتگان مورد نگهداری قرار نگیرد و کالبد آن‌ها حفاظت نشود، اصولاً نمی‌توان از آن‌ها چیزی آموخت. (قرآن در سوره آل عمران و آیه ۱۸۰، میراث آسمان‌ها و زمین را متعلق به خداوند می‌داند). نتیجه آنچه گفته شد حراست بهتر و بابرنامه‌تر از میراث فرهنگی در جهت توسعه گردشگری فرهنگی کشور خواهد بود.

1. Timothy and Prideaux  
2. Continenza et al

تفسیر میراث فرهنگی در زمینه از بین بردن کج‌فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی، با اصلاح تواره‌های ذهنی، می‌تواند نقش تاریخی میراث فرهنگی موجودی را که ممکن است در مورد آن برداشت‌های نامناسبی وجود داشته باشد، در اذهان مردم و سیاست‌مداران اصلاح کند. در این خصوص سسیچ و میاتوویچ (۲۰۱۴) به تفسیر مجدد و ممکن از میراث اسلامی- مسیحی و اروپایی- آسیایی اذعان کرده و این امر را راهی برای اصلاح کج‌فهمی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی میان کشورها، نسل‌های مختلف مردم و سیاست‌مداران قلمداد کرده‌اند. تغییر در این برداشت‌ها و ادراکات نادرست می‌تواند مانع سیاسی‌شدن بیش‌ازحد فرهنگ و میراث فرهنگی شود، در جهت بهره‌برداری از میراث فرهنگی در گردشگری فرهنگی موانع سیاسی را از سر راه بردارد و با اصلاح جایگاه تاریخی میراث فرهنگی، آن را در مسیر حفاظت برای نسل‌های بعدی قرار دهد.

تفسیر میراث فرهنگی در حیطه نزدیک‌تر کردن فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر نیز نقشی انکارناپذیر دارد. تفسیر آنچه از دل تاریخ برای مردمان یک کشور و باقی مانده است و گاه عصرهای مختلف تاریخی یک کشور را در خود دارد، می‌تواند فرهنگ‌های تاریخی شریک در به‌وجود آوردن یک یادمان تاریخی را به یکدیگر نزدیک‌تر کند. نمونه این مورد را می‌توان در مسجد جامع عتیق اصفهان مشاهده کرد. مسجدی که ریشه در دوران قبل از اسلام دارد و بعد از اسلام نیز در دوران آل بویه، سلجوقی و صفوی ساخت‌وسازها و مرمت‌هایی در آن صورت گرفته است. تفسیر چنین بنایی می‌تواند موجب شود تا اقوام مختلفی که در طی ۱۵ قرن در ابداعات هنری و معماری آن دخالت داشته‌اند، به یکدیگر نزدیک‌تر شده و ارزش فعالیت‌های تاریخی معمارانه هر کدام از آن‌ها در مرمت و برقرار ماندن این بنا پاس داشته شود. بنابر آنچه گفته شد چنین آثار چندفرهنگی در کشور می‌توانند در شکل‌گیری تجربه‌ای غنی‌تر برای گردشگران فرهنگی نیز نقشی بسزا ایفا کنند. در این زمینه پاولیچیچ (۲۰۱۶) نیز می‌گوید تفسیر از میراث فرهنگی می‌تواند تناقضات تاریخی موجود بر سر این میراث را برطرف کرده و بین فرهنگ‌های مختلفی که حول و حوش عناصر خاصی از تاریخ نیاز به تفاهم بیشتری دارند، انسجام ایجاد کند. موضوعی که می‌تواند از جنبه سیاسی، انسجام فرهنگی را در یک جامعه ارتقاء دهد.

تغییر نظر سیاستمداران نسبت به میراث فرهنگی، نیز یکی دیگر از کارکردهای بالقوه تفسیر میراث فرهنگی است. در این زمینه ممکن است گروه‌های سیاسی مختلفی که اهداف و برداشت‌های متفاوتی دارند به واقعیتی که خودشان در خصوص تاریخ به آن معتقد هستند تاکید کرده و اغلب دیدگاه‌های دیگران را در این خصوص نادیده بگیرند (تیموثی، ۲۰۰۷). بنابراین تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند به‌عنوان مثال واقعیت‌های مختلفی را در خصوص تاریخ گذشته بر یک سایت، مطرح کرده و واقعیت‌های پذیرفته شده هر گروه سیاسی را نیز به چالش بکشد. زمانی که این واقعیت‌های قطعی در خصوص سایت‌های فرهنگی به چالش کشیده شده و باورهای ذهنی مسلم سیاستمداران تغییر پیدا می‌کند، می‌توان گفت نحوه توسعه منابع و خدمات تخصیص یافته به این سایت‌ها نیز دستخوش تغییرات خواهد شد. موضوعی که می‌تواند امکانات و تسهیلات بیشتری را برای مدیران سایت‌های میراثی فراهم کرده و توسعه گردشگری فرهنگی را در یک منطقه رونق بیشتری بدهد.

تفسیر میراث فرهنگی در مقابله با نژادپرستی و قوم‌پرستی نیز نقش دارد. اینکه اقوام مختلف بدانند میراثی که در ظاهر متعلق به آنان است دارای عقبه‌ای کهن و ریشه‌های تاریخی گسترده‌ای است می‌تواند برتری ذهنی یک قوم نسبت به دیگران را کاهش دهد. همچنین معرفی میراث اقوام دیگر و سهمی که آنان در شکل‌دهی به هویت هر جامعه ایفا کرده‌اند، می‌تواند نگرش تک قطبی بودن را در نگاه هر قوم و نژاد از بین ببرد و ارزش‌های میراثی ملموس و ناملموس خرده فرهنگ‌ها را در قالب یک پازل فرهنگی در کنار یکدیگر قرار دهد. این موضوع می‌تواند حفاظت از میراث همه گروه‌های اجتماعی را ممکن ساخته و در ضمن منابع میراثی دردسترس برای توسعه گردشگری فرهنگی را گسترش دهد.

نقش تفسیر در توانایی برای نزدیک(تر) کردن ذینفعان سایت‌ها و مکان‌های تاریخی به یکدیگر مطابق با تحقیق باندراری (۲۰۱۹) است. او می‌گوید تفسیر می‌تواند ارزش‌هایی را که هر کدام از این ذینفعان، به میراث موجود در این سایت‌ها و مکان‌های تاریخی منتسب می‌کنند، برجسته کرده و با تقویت تعاملات دوجانبه موجب شود تا انتظارات خاص هر کدام از این ذینفعان از میراث فرهنگی، برای دیگر ذینفعان نیز اهمیت پیدا کند. موضوعی که می‌تواند هم توجه به ارزش‌های ذاتی یا درونی سایت‌ها را برای مدیران میراث فرهنگی احیا کند و هم بهره‌برداری اقتصادی از سایت‌های تاریخی را در قالب صنعت گردشگری

تسهیل کند. با تحقق آنچه گفته شد حفاظت از میراث فرهنگی و کارکرد اقتصادی میراث فرهنگی همزمان انجام می‌گیرد و گردشگری فرهنگی می‌تواند توسعه‌ای پایدار را شاهد باشد. چنین توسعه‌ای به دلیل منافع چندسویه اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی، می‌تواند از حمایت کامل سیاسیون برخوردار شود.

تقویت فهم متقابل بین سیاست مداران و مردم نیز از منافی است که خبرگان آن را جزء منافع تفسیر میراث فرهنگی به حساب آورده‌اند. در این زمینه می‌توان به مکان‌ها و رویدادهای تاریخی اشاره کرد که به دلیل اینکه حاکمیت، آن‌ها را به عنوان چالش‌هایی برای موجودیت خود به حساب می‌آورد، شرایط حفاظت و بهره‌برداری‌های اقتصادی از این مکان‌ها و رویدادها را برای مردم به ویژه مردم محلی فراهم نمی‌آورد. میراثی که می‌تواند منافع متعدد اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی را برای مردم محلی به همراه داشته باشد. در این باره بنا بر نظر لانگ و سوئیث (۲۰۰۶) تفسیر میراث فرهنگی می‌تواند حساسیت‌های حاکمیت نسبت به جلوه‌هایی خاص از تاریخ را برای مردم محلی یادآور شود و از سوی دیگر جنبه‌هایی از تاریخ این مکان‌ها و رویدادها را به دیدارکنندگان عرضه کند که موجودیت حاکمیت را به چالش نمی‌کشند. از این طریق میراثی که هیچ‌گونه کارکردی در زندگی اجتماعی مردم نداشته، می‌تواند به واسطه توسعه گردشگری فرهنگی به منبعی برای بهبود وضعیت اقتصادی آن‌ها تبدیل شود و البته مورد حفاظت نیز قرار بگیرد.

این تحقیق نیز مانند اکثر تحقیقات دارای محدودیت‌هایی بوده که شاید شیوع بیماری کرونا یکی از آن‌ها باشد که هم محقق و هم تحقیق را توأمأ محدود کرد. از مهمترین محدودیت‌های دیگر این تحقیق می‌توان به جامعه آماری آن اشاره کرد. جامعه آماری این تحقیق خبرگانی بوده‌اند که به‌طور کلی در عرصه میراث فرهنگی، سیاست و گردشگری دارای سابقه فعالیت بوده و خبره محسوب می‌شدند. به نظر می‌رسد اگر در این بررسی متخصصانی دخیل شوند که از جوامع محلی بوده و عملاً در حوزه مکانی آثار تاریخی، از اثرات مثبت و منفی آن‌ها بهره‌مند شده باشند، متناسب با هر سایت تاریخی، نتایج دقیق‌تر و شاید متفاوتی را به همراه داشته باشد.



## منابع

- احمدی، نسبیه. (۱۳۸۸). «معرفی و نقد روش دلفی». کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۲۲. ۱۰۰-۱۰۸
- آذر، احمد و فرجی، حمید (۱۳۸۹). علم مدیریت فازی. تهران: مهربان نشر
- تیموئی، دالن (۱۳۹۴). میراث فرهنگی و گردشگری. ترجمه اکبر پورفرج، طاهره آشتیانی، ژاله هاشم زاده و منا اکبری. تهران: مهربان نشر
- جعفری، نیلوفر و غلامعلی منتظر. (۱۳۸۷). «استفاده از روش دلفی فازی برای تعیین سیاست‌های مالیاتی کشور». پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار. سال هشتم. شماره اول. ۱-۲۳
- حشمت زاده، محمد باقر. (۱۳۹۵). مسائل اساسی علم سیاست. تهران: کانون اندیشه جوان
- خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۹۲). «تحول و تطور علم سیاست در آمریکا و فرانسه». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال دوم. شماره ششم. ۹-۳۷
- دال، رابرت. (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست. ترجمه حسین ظفریان. تهران: نشر مترجم
- دشتی، محمد. (۱۳۸۱). ترجمه نهج البلاغه. قم. موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین
- دوورژه، موریس. (۱۳۸۶). اصول سیاست. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران. نشر علمی و فرهنگی
- رضائیان، علی. (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: سمت
- سید جوادین، رضا. (۱۳۶۴). برنامه ریزی نیروی انسانی. تهران. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی
- هیوود، اندرو. (۱۳۹۱). سیاست. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی
- Ablett, P. G., & Dyer, P. K. (2009). Heritage and hermeneutics: towards a broader interpretation of interpretation. *Current Issues in Tourism*, 12(3): 209-233.
- Álvarez-García, J., Maldonado-Erazo, C. P., Río-Rama, D., de la Cruz, M., & Castellano-Álvarez, F. J. (2019). Cultural heritage and tourism basis for regional development: mapping of scientific coverage. *Sustainability*, 11: 1-21
- Ashworth, G. J., Graham, B and Tunbridge, J. E (2007). *Pluralising Pasts: Heritage, Identity and Place in Multicultural Societies*. London: Pluto
- Australia Icomos. (1999). *Charter for the conservation of places of cultural significance* (the burra charter). Canberra: international council of monuments and sites.
- Balcar, M. & Pearce, D. (1996). Heritage tourism on the west coast of New Zealand. *Tourism Management*, 17 (3). 203-212.
- Besculides, A., Lee, M.E. & McCormick, P.J. (2002). Residents' Perceptions of the cultural benefits of tourism. *Annals of Tourism Research*. Vol. 29, No. 2. 303-319.

- Buhalis, D. & Costa, C. (2006). *Tourism Business Frontiers: Consumers, products and industry*. Burlington: Butterworth-Heinemann.
- Bui, H. T., & Lee, T. J. (2015). Commodification and politicization of heritage: Implications for heritage tourism at the Imperial Citadel of Thang Long, Hanoi (Vietnam). *Austrian Journal of South-East Asian Studies*, 8(2). 187-202.
- Bujdosó, Z., Dávid, L., Tözsér, A., Kovács, G., Major-Kathi, V., Uakhitova, G., ... & Vasvári, M. (2015). Basis of heritagization and cultural tourism development. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 188: 307-315.
- Cambridge dictionary (2020). *Meaning of politics in English*. Retrieved from <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/English/politics>.
- Chang, K-L. (2015). A hybrid program projects selection model for nonprofit TV stations. *Mathematical Problems in Engineering*. 1-10.
- Chen, G., and Huang, S. (2017). Understanding Chinese cultural tourists: Typology and profile. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 35(2): 162–177.
- Chenari, M. (2009). Hermeneutics and theory of mind. *Phenomenology and the Cognitive Sciences*. vol. 8. 17-31.
- Cheng, C.H. & Lin, Y. (2002). Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation. *European Journal of Operational Research*. 142.174-186.
- Continenza, R., Redi, F., & Trizio, I. (2017). Heritage interpretation: a tool for conservation, protection and management of environmental and cultural heritage. *Scientific Research and Information Technology*. 7(1). 39-44.
- Drummond, S (2001). Introduction to quality, In: Drummond, S and Yeoman, I (Eds.). *Quality Issues in Heritage Visitor Attractions*, oxford: Butterworth-Heinemann
- Dumbraveanu, D., Craciun, A., & Tudoricu, A. (2016). Principles of interpretation, tourism and heritage interpretation-the experience of Romanian museums. *Human Geographies-- Journal of Studies & Research in Human Geography*, 10(1): 59-75
- Easton, D. (1979). *A Framework for Political Analysis*. Chicago: University of Chicago Press.
- Ghurchian, N. (1994). *The First International Terminology of Curriculum as Referential Dictionary*. Tehran: The Institute for Research and Planning in Higher Education.
- Goeldner, C. R., & Ritchie, J. B. (2009). *Tourism: principles, practices, philosophies*. New Jersey: John Wiley & Sons.
- Häder, M. & Häder, S. (1995). Delphi und Kognition spsychologie: Ein Zugang zur. Theoretischen Fundierung der Delphi- Methode. In: ZUMA-Nachrichten 37(19).
- Hall, C.M and MacArthur, S (1996). *Heritage Management in Australia and New Zealand: The Human Dimension*. Australia: Oxford University
- Hall, D (2017). Bringing Geopolitics to Tourism. In: Hall, D (Eds.). *Tourism and Geopolitics: Issues and Concepts from Central and Eastern Europe*. Boston: CABI
- Henderson, J. C. (2002). Tourism and politics on the Korean Peninsula. *The Journal of Tourism Studies*, 13(2), 16-27.

- Hitchcock, M and King, V. T (2003). Discourses with the past: Tourism and heritage in South-East Asia. *Indonesia and the Malay World*, 31(89): 3-15
- Hsueh, S.L. (2013). A Fuzzy Logic Enhanced Environmental Protection Education Model for Policies Decision Support in Green Community Development. *The Scientific World Journal*, 1-8
- Kaufman, T.J (1999). *A STUDY OF THE MOTIVATIONS BEHIND HERITAGE SITE SELECTION IN THE UNITED STATES*. DOCTOR OF PHILOSOPHY in Hospitality and *Tourism Management*. Virginia Polytechnic University
- Keeney, S., Hasson, F. & McKenna, H.P. (2001). A critical review of the Delphi technique as a research methodology for nursing. *Internatinal Journal of Nursing Study*, 38(2), 195-200.
- Lennon, J. J & Tiberghien, G. (2020). Kazakhstan Gulag heritage: Dark tourism and selective interpretation. *International Journal of Tourism Research*. 22(3). 364-374.
- Liu, Y and Lin, H.W (2021). Construction of Interpretation and Presentation System of Cultural Heritage Site: An Analysis of the OldCity, Zuoying. *Heritage*, 4: 316-332.
- Long, C. & Sweet, J. (2006). Globalization, nationalism and World Heritage: Interpreting Luang Prabang. *South East Asia Research*, 14 (3). 445-469.
- Loulanski, T (2006). Cultural Heritage in Socio-Economic Development: Local and Global Perspectives. *Environments*, 34 (2): 51-69
- Loulanski, T., and Loulanski, V. (2011). The sustainable integration of cultural heritage and tourism: A meta-study. *Journal of Sustainable Tourism*, 19(7): 837-862.
- Manoliadis, O. G. Pantouvakis, J. P. & Christodoulou, S. E. (2009). Improving Qualifications-based Selection by use of the Fuzzy Delphi Method. *Construction Management and Economics*, 27(4). 373-384.
- McKercher, B., Ho, P. S. Y & DuCros, H. (2004). Attributes of popular cultural attractions in Hong Kong. *Annals of Tourism Research*. Vol. 31. No. 2. 393-407.
- McLean, F (1998). Museums and the construction of national identity: A review. *International Journal of Heritage Studies*, 3(4), 244-252
- Mullen, P. (2003). Delphi: myths and reality. *Journal of Health Organisation and Management*. 17(1). 37-52.
- Murry, T. J., Pipino, L. L., & Gigch, J. P. (1985). A pilot study of fuzzy set modification of Delphi. *Human Systems Management*. 5(1). 76-80.
- NOWACKI, M. (2012). *HERITAGE INTERPRETATION*. Akademia Wychowania Fizycznego.
- Nowacki, M. (2021). Heritage Interpretation and Sustainable Development: A Systematic Literature Review. *Sustainability*, 13, 4383.
- Pavličić, J. (2016). Dissonant heritage and promotion of tourism in the case of Serbian medieval monuments in Kosovo. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 14(3). 189-205.
- Popescu, L., Nita, A & Iordache, C. (2020). Place Identity, Urban Tourism and Heritage Interpretation: A Case Study of Craiova, Romania. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 22 (6).1-12.
- Prentice, R. (1993). *Tourism and Heritage Attraction*. London: Routledge.

- Reisinger, Y., & Steiner, C (2006). Reconceptualising Interpretation: The Role of Tour Guides in Authentic Tourism, *Current Issues in Tourism*, 9(6): 481-498
- ROBINSON, M and SMITH, M (2006). Politics, Power and Play: The Shifting Contexts of Cultural Tourism. In: ROBINSON, M and SMITH, M (Eds.). *Cultural Tourism in a Changing World: Politics, Participation and (Re) presentation*. Ontario: CHANNEL VIEW
- Šešić, M. D., & Mijatović, L. R. (2014). Balkan dissonant heritage narratives (and their attractiveness) for tourism. *American Journal of Tourism Management*, 3(1B). 10-19.
- Sharpley, R (1993). *Tourism and Leisure in the Countryside*. Huntington: ELM
- Sharpley, R., and Telfer, D. J. (2015). *Tourism and development: Concepts and issues*. Toronto: CHANNEL VIEW
- Sima, C. (2017). Communist heritage representation gaps and disputes, *International Journal of Tourism Cities*. Vol. 3. No. 3 .210-226.
- Su, R., Bramwell, B., Whalley, P. A (2018). Cultural political economy and urban heritage tourism. *Annals of Tourism Research*, 68: 30-40.
- Timothy, D. J. (2007). *The Political Nature of Cultural Heritage and Tourism: Critical Essays*. Oxon: Ashgate
- Timothy, D. J. (2011). *Cultural and heritage tourism: an introduction*. Newyork: Channel view.
- Timothy, D.j & Boyd, S. (2006). Heritage tourism in the 21st century: Valued traditions and new perspectives. *Journal of Heritage Tourism*. 1(1): 1-16.
- Timothy, D. J & Nyaupane, G. P. (2009). *Cultural Heritage and Tourism in the Developing World (A regional perspective)*. Abington: Routledge.
- Timothy, D. J., & Prideaux, B. (2004). Issues in heritage and culture in the Asia Pacific region. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*. 9(3). 213-223.
- UNESCO (2007). *Tourism at Cultural Heritage Sites in Asia: Cultural Heritage Specialist Guide Training and Certification Programme for UNESCO World Heritage Sites*. 4<sup>th</sup> Edition.
- UNWTO (2018). *Tourism and Culture Synergies*. Madrid: United Nations World Tourism Organization.
- UNWTO. (2019). *Tourism Highlights (2019 Edition)* .Madrid: united nation world tourism organization.
- Wang, Y-J., Wu, Ch., Yuan, J (2010). Exploring Visitors' Experiences and Intention to Revisit a Heritage Destination: The Case for Lukang, Taiwan. *Journal of Quality Assurance in Hospitality and Tourism*, 11(3): 162-178
- Wu, G.-D., Liao, S.-K., Chiu, C.-H., & Chang, K.-L. (2013). New product development projects selection for Taiwanese century-old businesses. *Life Science Journal*. 10(3). 1152-1161.